بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين الرحمن الرحيم ملك يوم الدين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وامام المتقين خير خلق الله اجمعين وعلى اله واصحابه سرج الدين ونجوم الطريق المستقيم بدان اسعدک الله تعالى في الدارين که اسلام کامل عبارتست از انکه تسلم کل ذي حق حقه یعنی انکه حق هر صاحب حق سالم و کامل واکنی بی قصور و بی فتور

قسم اول از حقوق حق الله ست اول حق الله تعالى واکنی که وجود و توابع وجود هر چه هست عطای اوست و لا شریک له هر نفسی که فرو میرود ممد حیاتست وچون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بهر نعمتی شکری واجب

بیت

از دست و زبان که بر آید — کز عهده شکرش بدر آید

پس اگر توفیق شکر نعمتی از نعما دریابی خواه بزبان یا بجوارح یا دل از مواهب اوست جل شانه توفیق شکر هم از مواهب او پس در هر شکر چندین شکر واجب شود پس خروج از عهده شکر او تعالی محالست و مستلزم تسلسل قال الله تعالى وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه حقتعالی بخشنده مهربان هست در کلمه غفور رحیم اشارتست بدانکه حقتعالی بفضل و رحمت خود تکلیف ما لا یطاق نداده و ادای حق شکر بخشیده و معاف فرموده و بقدر وسع شکر واجب ساخته هر کسیکه بقدر طاقت انسانی در ادای شکر او کوشید بفضل و رحمت خود او را شکور بصیغه مبالغه خوانده چنانچه در حق نوح علیه السلام فرموده انه کان عبدا

شکورًا یعنی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کننده و هر که در معتقد در خود از شکر او تقصیری ورزد سخت
ظالم و نهایت کافر نعمت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم ازادی شکر یعنی از مقدور تقصیر کرده
قال الله تعالی وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ یعنی اگر بشمرید
نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد و بدرستیکه انسان یعنی اکثر شان هر آینه سخت ظالم و بسیار کافر اند نعمتهای
او را پس قدری از شکر که از بندگان مطلوب است آنست که او سبحانه را بصفات کمال و مطابق نفس الامر
بقدر طاقت بشری بشناسند و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات اوست بوجود آرند آنچه که بر
ذمه عباد و از آن واجب ساخته است آنرا بصفات کمال او اسازند و از مکروهات و منهیات اجتناب ورزند
لذت در رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود و رضای هر مخلوق مقدم دارند تا بروز عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ
شرمساری نکشند یعنی نفس هر یک در روز قیامت خواهد دانست که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر کرده
نفس بر رضای خدا یا رضای خدا بر رضای نفس قال الله تعالی قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَاۤؤُكُمْ وَاَبْنَاۤؤُكُمْ وَ
اِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالُ اقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ
كَسَادَهَا وَمَسٰكِنُ تَرْضَوْنَهَا اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَجِهَادٍ فِيْ
سَبِيْلِهٖ فَتَرَبَّصُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ یعنی بگوای محمد اگر باشند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان
شما و قبائل شما و مالهای که کسب کرده اید و سوداگری که بترسید از فوت شدن منفعت آن و خانهای که پسند
شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او و جهاد کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید
وقت آمدن امر و قضای او بعذاب در دنیا یا در آخرت مسلمان را باید که هر کرا دوست دارد برای خدا دوست دارد و هر کرا [illegible]
دارد برای خدا دشمن دارد و هر کرا چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر کرا نه دهد برای خدا نه دهد و لقمه اگر در دهن خود یا در دهن [illegible]
خود نهد با این نیت نهد که حق تعالی بر من واجب کرده است رسول فرموده مَنْ اَحَبَّ لِلّٰهِ وَاَبْغَضَ لِلّٰهِ وَاَعْطٰى
لِلّٰهِ وَمَنَعَ لِلّٰهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْاِيْمَانَ ابو داود از ابی امامه و ترمذی از معاذ این حدیث روایت کرده اند یعنی هر که دوست
دارد برای خدا و دشمن دارد برای خدا و بدهد برای خدا و نه دهد برای خدا پس بدرستیکه ایمان خود را کامل کرده و رسول فرموده
اِذَا اَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلٰى اَهْلِهٖ وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهٗ صَدَقَةٌ
متفق علیه عن ابن مسعود یعنی اگر خرج کرد مسلم بر اهل خانه خود به نیت عبادت باشد او را صدقه فصل [illegible]
وصفات و مرضیات و مکروهات حق سبحانه و تعالی بی توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل در آن کافی نیست

از ابن مسعود روایت کرده شده است و مسلم هر دو روایت یعنی در صحیح بخاری

نیست از جهت ایمان بکتب الهی و رسل و بما جاء به الرسل داخل ایمان بحق شده رسول فرموده صلعم فرستادگان قبیله
عبد القیس را أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ یعنی میدانید که ایمان بخدا چیست آنها گفتند خدا و رسول
او داناترند فرموده شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ یعنی گواهی دادن بتوحید
و رسالت رسول الله متفق علیه عن ابن عباس و طاعت رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالی مَنْ
يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ یعنی هر که فرمانبرداری کند رسول را و فرمانبرداری خدا کرد
و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لَا يُؤْمِنُ
أَحَدُكُمْ حَتّٰى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ متفق علیه عن انس
یعنی ایمان یکی از شما صحیح نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزندان او و از تمام مردمان پس ادای حق رسول الله
صلی الله علیه و سلم هم از طوق بشر خارجست اما مطلوب بقدر طاقت است و آن امتثال اوامر و نواهی و سنت و کثرت صلوة و سلام
بر وی و محبت آل و اصحاب و **فصل** پس بدانکه چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات بتوسط
رسول صلعم رسید خصوصاً بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفت و اقوال و افعال علیه السلام که بعضی صحابه را
معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسایل خلافیه مجمع علیه گشته که در هر مسئله صحابه را
جمع کرده و تحقیق کرده ترویج میکردند پس ادای حق صحابه و اهل بیت عین ادای حق رسالت و محبت و طاعت
شان مثل محبت و طاعت رسول صلعم گشته فرموده رسول صلعم مَنْ أَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ
أَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللّٰهَ رواه الترمذی عن عبد الله
بن مغفل و فرموده اقْتَدُوا بِالَّذَيْنِ مِنْ بَعْدِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رواه مسلم و الترمذی عن حذیفة
یعنی هر که دوست دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمن داشته پس بدشمنی
من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را ایذا کرده پس بدرستی مرا ایذا کرده و هر که مرا ایذا کرده پس بدرستیکه خدا را
ایذا کرده و فرموده پیروی کنید بهر دو خلیفه که بعد من باشند ابوبکر و عمر و فرموده عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ
الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و فرموده أَنَا
مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی و الحاکم عن ابن عباس من شهر علم و علی دروازه آنست
و فرموده إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَعِتْرَتِي رواه احمد و الطبرانی عن زید بن ثابت
یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرموده صلی الله علیه و سلم خُذُوا نِصْفَ

العِلْمِ مِنْ هٰذِهِ الحُمَيْرَاءِ بگیرید نصف علم ازین حمیرا یعنی عائشه رضی الله تعالی عنها و فرمود صلی الله علیه وسلم
اَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بِأَيِّهِمُ اقْتَدَيْتُمُ اهْتَدَيْتُمْ رواه رزین عن عمر یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند بهر که
از آنها پیروی کنید هدایت یابید چنین احادیث بسیار اند **فصل** همچنین ادای حق علما محدثین فقهای مجتهدین
و مصنفان کتب دین و سلسله اساتذه علوم ظاهر پیران اساتذه علوم باطن در رنگ حق صحابه اهلبیت داخل و ادای
حق خدا و رسول است که اینها وارثان پیغمبر و حاملان دین اند قال رسول الله صلعم اِنَّ الْعُلَمَاءَ
وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَّلَا دِرْهَمًا وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ
رواه اصحاب السنن عن بشیر بن قیس یعنی بدرستیکه علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و
درهم را و جز این نیست که میراث گذاشته اند علم را قال علیه السلام فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي
عَلٰى اَدْنَاكُمْ ثُمَّ تَلَا اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا رواه الترمذی عن ابی امامه والدارمی عن
مکحول والحسن مرسلاً یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست برادنی مسلمان پستر خواند آیه یعنی
نمیترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان فرموده رسول صلی الله علیه وسلم اِنَّمَا بُعِثْتُ
مُعَلِّمًا یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود صلعم اَللّٰهُ اَجْوَدُ جُوْدًا
وَّاَنَا اَجْوَدُ بَنِيْ اٰدَمَ وَاَجْوَدُهُمْ بَعْدِيْ رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهٗ يَاْتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
اُمَّةً وَّاحِدَةً رواه البیهقی عن انس یعنی الله تعالی جوادترست و من جوادترین آدمیان ام جوادتر آدمیان
بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم پراگنده کرد در روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد اینست که هر چند
امتی ست نبی نیست که امت با وی باشد اما جماعت تلامذه مثل امت باشد فرمود رسول صلی الله علیه وسلم يُوْزَنُ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشُّهَدَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلٰى دَمِ الشُّهَدَاءِ
رواه الذهبی عن عمران بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت سیاهی علما و خون شهیدان
پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و اولیا اطاعت خدا و رسول ست صلی الله
علیه وسلم و محبت شان قال الله تعالی يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ
وَاُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ
یعنی فرمانبرداری کنید خدا و رسول خدا و کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی رسول الله
صلی الله علیه وسلم و اصحاب و اهل بیت او علیهم السلام علما ظاهر و باطن بندگان خدا اند

حقوق شان داخل حقوق العباد ست اما حق ست بحق الله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خدا را نمیشناخت حق ادا
نمیکرد و رسول فرمود لَوْلَا هَدَانَا اللهُ مَا اهْتَدَيْنَا وَلَا تَصَدَّقْنَا وَلَا صَلَّيْنَا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا بانزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمییافت و کسی ادای زکوٰة و نماز نمی کرد و اینها مستغرق
در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی ایشان دوستی و دشمنی با خداست و در حدیث قدسی آمده
مَنْ عَادٰى وَلِيًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهٗ بِالْحَرْبِ رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی کند با ولی من پس
خبر دار میکنم او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده اَوْلِيَائِيْ مِنْ عِبَادِيَ الَّذِيْنَ يُذْكَرُوْنَ
بِذِكْرِيْ وَاُذْكَرُ بِذِكْرِهِمْ رواه البغوی یعنی اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن
من و من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها همچنین در حدیث نبوی آمده **قسم دوم** قسمی دیگر از حقوق العباد
حق کسانیکه بظاهر بعضی از حقوق الله آمده اند در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی
رسانیدن و مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حقیقتاً بتوسط شان روزی سانند
یا از آنها پرورش کنند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا شفقتی از منافع بتوسط شان سانند
شکر اینها هم مثل مادر و پدر واجبست رسول فرمود مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللهَ رواه مسلم والترمذی
عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده **فصل** واکثر از آن حقوق الدین ست قال
الله تعالی وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَّفِصَالُهٗ فِيْ عَامَيْنِ
اَنِ اشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ یعنی امر کردیم انسان را انکه نیکوئی کند با مادر و پدر نکوئی کردنی مادر او در شکم برداشت
او را بمشقت بر مشقت و دو سال و را شیر داده و شکر کن برای من و برای مادر و پدر خود انچه در قرآن چند جا آمده
و رسول صلعم در کبائر ذکر کرده اشراک و عقوق الدین را متفق علیه عن عبد الله بن عمر عقوق عبارتست از ایذا
کردن و نافرمانی کردن معنی عق بالتشدید شق و قطع ست ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول صلعم
بده چیز وصیت کرده از انجمله گفت لَا تُشْرِكْ بِاللهِ شَيْئًا وَاِنْ قُتِلْتَ اَوْ حُرِّقْتَ وَلَا
تَعُقَّنَّ وَالِدَيْكَ وَاِنْ اَمَرَاكَ اَنْ تَخْرُجَ مِنْ اَهْلِكَ وَمَالِكَ
الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی و نافرمانی والدین مکن اگرچه امر کنند ترا به آنکه
بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابو هریره رض روایت کرده که مردی از رسول صلعم پرسید که
زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست گفت پدر تو

انت پس تر تو ... بعد آن پدر تو پیشتر اقرب بعد اقرب و رسول فرمود صلعم رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ

یعنی سه بار فرمود خاک آلوده باد بینی او گفتند آن کیست یا رسول الله فرمود مَنْ اَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ

اَحَدُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ رواه مسلم عن ابی هریره یعنی کسیکه مادر و پدر را یکی یا هر دو در پیری یافت و داخل

بهشت نشد و ترمذی از ابن عمر روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله از من گناهی عظیم بوقوع آمده

توبه من چگونه باشد فرمود ترا مادر هست گفت نه فرمود که خاله هست گفت هست فرمود با وی نکوئی کن قال رسول الله صلعم

مَنْ اَصْبَحَ مُطِيْعًا لِلّٰهِ فِيْ وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ مَفْتُوْحَانِ مِنَ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا

وَمَنْ اَمْسٰى عَاصِيًا لِلّٰهِ فِيْ وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ مَفْتُوْحَانِ مِنَ النَّارِ وَاِنْ وَاحِدًا فَوَاحِدًا

هر که باشد فرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او دو دروازه کشاده بسوی بهشت و اگر یکی باشد یکی باشد و هر که

باشد نافرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او دو دروازه کشاده بسوی آتش و اگر یکی باشد یکی باشد

مردم گفتند یا رسول الله اگر پدر و مادر بر وی ظلم کنند فرمود وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ

یعنی سه بار گفت اگرچه بروی ظلم کنند و فرمود صلی الله علیه وسلم مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍّ يَنْظُرُ اِلٰى وَالِدَيْهِ نَظْرَةَ

رَحْمَةٍ اِلَّا كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً مَبْرُوْرَةً یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین بمهر مگر

آنکه بنویسد حقتعالی برای او عوض هر نظر ثواب حج پاکیزه از گناه مردم گفتند یا رسول الله اگرچه ببیند هر روز صد بار فرمود

نَعَمْ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَاَطْيَبُ یعنی آری حقتعالی بزرگتر است و خوبتر روایت کرده هر دو حدیث را بیهقی از

ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله من جهاد دارم فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که در خدمت

او باش بهشت نزد قدم او ست حدیث نبوی اِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اَقْدَامِ اُمَّهَاتِكُمْ

روایت کرد این را بیهقی از معاویه بن جاهمه ابن عمر گفت یا رسول الله مرا زنی است که من او را دوست میدارم و عمر

او را مکروه میدارد فرمود که او را طلاق ده و ترمذی و ابو داؤد این را از ابن عمر آورده مردی از رسول الله صلعم

پرسید که حق مادر و پدر چیست فرمود که ایشان بهشت و دوزخ تو اند ابن ماجه این را از ابی امامه روایت کرده مردی

پیش رسول صلعم آمد و گفت که پدر من محتاج است بسوی مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود اَنْتَ وَمَالُكَ

لِاَبِيْكَ اِنَّ اَوْلَادَكُمْ مِنْ اَطْيَبِ كَسْبِكُمْ كُلُوْا مِنْ كَسْبِ اَوْلَادِكُمْ رواه ابو داود و ابن ماجه

عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده یعنی تو و مال تو برای پدر تست بدرستیکه اولاد شما از پاکیزه ترین کسب شماست

بخورید شما از کسب اولاد خود پس نفقه مادر و پدر و اجداد و جدات که مفلس باشند گو قدرت بر کسب داشته باشند بر فرزند عاقل بالغ

که قدرت بر کسب داشته باشد و واجبست اگرچه کافر باشند از اهل ذمه و در صحیحین از اسما بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسیدم که مادر من آمده است کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن یعنی امتثال امر رضای آنها واجبست مگر در معصیت و ترک فرایض ترمذی از عبد الله بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم رضامندی خدا در رضامندی پدرست و ناخوشی خدا در ناخوشی پدرست حقتعالی فرموده وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا یعنی اگر جنگ کنند پدر و مادر تو به اینکه شریک گویی با من چیزی را که تو علم نداری بآن یعنی علم بتوحید داری پس درین امر فرمانبرداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی به آنها کن رسول صلی الله علیه وسلم فرمود لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد و الحاکم عن عمران و الحکم عن عمرو الغفاری و در صحیحین لَا طَاعَةَ لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ یعنی جایز نیست فرمانبرداری هیچکس از مخلوقات در نافرمانی خدا اطاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است

فصل از جمله حقوق پدر و دیگر دوستی کردنست با دوستان پدر و نکویی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارتست از آنچه موجب صلت و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق

فصل در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادران است صله و نکویی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و اولاد شان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرموده در چند جا وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ یعنی بده صاحب قرابت را حق او لهذا هر کس را که غنی باشد واجبست بروی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نداشته باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجبست مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد اگرچه کافر باشد قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مَحْرَمٍ عَتَقَ عَلَيْهِ رواه احمد و ابو داود و الحاکم عن سمرة یعنی هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بروی آزاد شود و جمع کردن دو زن که ذی رحم محرم حرام است که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجبست و قطع رحم حرامست و ناموافقت آنها جایز نیست عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ لَهُ مَهْ قَالَتْ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا

تَرْضَيْنَ اَنْ اَصِلَ مَنْ وَصَلَكِ وَاَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلٰی یَا رَبِّ قَالَ فَذَاكِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ

یعنی خدا تعالی پیدا کرد خلق را و هر گاه که حقتعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقو رحمان گرفت حقو بند ازار را گویند و این مجازست و مراد آنست که از جناب ایزد پناه جست عرب میگویند عذت بحقو فلان یعنی پناه جستم بسوی فلان حقتعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از قطع فرمود که آیا راضی نمیشوی باینکه من وصلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم ای رب فرمود پس چنین کنم و در حدیث قدسی آمده اَنَا اللّٰهُ وَاَنَا الرَّحْمٰنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ لَهَا مِنِ اسْمِیْ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ رواه ابو داود والترمذی واحمد والحاکم عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی هریرة یعنی من اللّٰه ام و من رحمن ام رحم را پیدا کردم و نام او را از نام خود نام او برآوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از و قطع کنم و بخاری از ابو هریره از رسول صلعم روایت کرده که فرمود اَلرَّحِمُ شُجْنَةٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ اللّٰهُ مَنْ وَصَلَكِ وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ یعنی رحم اتصالی دارد بکیفیت با خدا حق تعالی فرمود یعنی هر که ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی اللّٰه عنها در صحیحین مثل آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست که فرمود رسول صلعم قاطع رحم داخل بهشت نشود و بیهقی از عبد اللّٰه بن اوفی روایت کرده که آنحضرت فرمود صلعم که رحمت نازل نمیشود که در آنها یک کس قاطع رحم میشود و در وجوب صله رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر هر کس لازم که بنسبت خود خبردار باشد تا صله کند و قطع از و بظهور نیاید **فایده** رسول فرمود صلعم حق برادر بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدرست بر پسر اینحدیث در بیهقی از سعید بن عباص روایت کرده حق سبحانه بر کسیکه فساد کند در زمین و بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته فَهَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوْا اَرْحَامَكُمْ اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمٰٓی اَبْصَارَهُمْ یعنی قریب است که اگر رو گردانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده آنها را حقتعالی پس کر نمود آنها را که حق نمیشنوند و کور کرد چشمهای آنها را که حق را نمی بینند امام احمد حنبل رح لعنت بر یزید جایز گفته و با وجود قبایح بیشمار یزید بنا بر قطع رحم با این آیت جواز لعنت استدلال کرده **سوال** از دو قریب اگر یکی را از دوم سلوک کند و قطع رحم نماید دوم از وی قطع جایز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم که صله کند و قطع نکند و وبال قطع رحم بر قاطع خواهد شد و برکات صله بر واصل رسول فرمود لَیْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِیْ وَلٰكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِیْ اِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهٗ وَصَلَهَا رواه البخاری عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوئی نکوئی کند واصل

رحم از و وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند **بیت** بدی را بدی سهل باشد جزا ۔ اگر مردی اَحسِن الی من اَسا
مسلم الا بہ ابوہریرہ روایت کردہ کہ مردی از رسول صلعم گفت کہ یا رسول اللہ مرا اقربا ہستند من صلہ آنہا میکنم و آنہا
از من قطع میکنند و من با آنہا نکوئی میکنم و آنہا بدی میکنند و من از آنہا حلم میکنم و آنہا بر من جہل میکنند آنحضرت فرمود صلعم
لئن کنت کما قلت فکانما تسفہم المل ولا یزال معک من اللہ ظہیر علیہم ما
دمت علی ذلک یعنی اگر ہمچنین ست کہ تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنہا را خاکستر گرم یعنی آتش میخورانی کہ ہلاکت آنہا
آنست و ہمیشہ ترا از خداوند مددگاری خواہد بود بر آنہا مادامیکہ بر این خصلت باشی **فائدہ** صلہ رحم سوای ثواب در آخرت
در دنیا فواید بسیار دارد و رسول فرمود صلعم من احب ان یبسط لہ رزقہ وینسأ لہ فی اثرہ فلیصل رحمہ
متفق علیہ عن انس یعنی ہر کہ خواہد کہ فراخ شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و نشدن آن فراموش گذشتگان خیر پس باید
کہ صلہ رحم کند و رسول فرمود تعلموا من انسابکم ما تصلون بہ ارحامکم فان صلۃ الرحم محبۃ فی
الاہل مثراۃ فی المال منسأۃ فی الاثر رواہ الترمذی عن ابوہریرہ یعنی قرابتہای خود را دانستہ باشید تا صلہ رحم کنید کہ صلہ رحم
موجب محبت ست در اہل و موجب زیادتی ست در مال و بقای نام کہ قطع رحم را سوای آنکہ عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا
ہم لاحق شود و رسول فرمود ما من ذنب احری ان یعجل اللہ لصاحبہ العقوبۃ فی الدنیا مع ما یدخر
لہ فی الآخرۃ من البغی وقطیعۃ الرحم رواہ الترمذی و ابوداود عن ابی بکرۃ یعنی گناہی نیست
لایق تر بآنکہ عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکہ ذخیرہ داشتہ شود عذاب برای او در آخرت از بغی کردن با
بادشاہ عادل و قطع کردن رحم و نیز بیہقی از ابی بکرہ روایت کردہ رسول فرمود کل الذنوب یغفر اللہ
منہا ما شاء الا عقوق الوالدین فانہ یعجل لصاحبہ فی الحیوۃ قبل الممات
یعنی ہر گناہ کہ باشد می بخشد خدا تعالی او را آنچہ خواہد مگر عقوق والدین پس بدرستیکہ جلد میرساند او را عذاب در زندگی پیش
از مرگ **فصل** چون نظر بحقوق پدر و مادر صلہ برادران و خواہران و دیگر اقربا واجب شد نظر بحقوق رسول و خلفا
و پیران و استادان صلہ و نکوئی با جماعہ سادات و مشایخ و فرزندان پیران و استادان ہم ضرورست قال اللہ تعالی قل
لا اسألکم علیہ اجرا الا المودۃ فی القربی بگوای محمد نمیخواہیم از شما بہ تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی ما
در اقربای من شمار اہلیا بد قال اللہ تعالی قل ان کان للرحمن ولد فانا اول العابدین
یعنی بگوای محمد کسانی را کہ خدا را ولد ثابت میکنند تعالی اللہ عن ذلک اگر رحمن را ولد میبود من اول عبادت او میکردم
حق تعالی از آن منزہ است ازین آیہ مستفاد میشود کہ ہر کرا حقی بر ذمہ شخصی باشد باید کہ اولاد او را ادای حق کنند

سوال از اولاد و سادات پیرزادگان اگر کسی فاسق یا کافر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب**
اگر فاسق باشد نصیحت باید کرد و ادای حق باید نمود و اگر رافضی باشد آن باشد که بکفر رساند با او دوستی نباید نمود
حق تعالی میفرماید یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوْا مِنَ
الْاٰخِرَةِ کَمَا یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ یعنی ای مسلمانان دوستی مکنید با قومیکه خدا غضب کرده بر آنها
بدرستیکه ناامید اند از آخرة چنانکه ناامید هستند کفار از صحابت قبور و حق تعالی به پیغمبر با بدو حق پسر نوح عم اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ
اَهْلِكَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ و رسول فرموده اِنَّ اٰلَ اَبِیْ فُلَانٍ لَیْسُوْا بِاَوْلِیَاءَ اِنَّمَا وَلِیِّیَ
اللّٰهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَلٰکِنْ لَهُمْ رَحِمٌ اَبُلُّهَا بِبِلَالِهَا متفق علیه عن عمرو بن العاص یعنی آل
فلان نیستند مرا اولیا و دوستان دوست من خداست و صالح مسلمانان لیکن آنها را با من قرابت است صلهٔ رحم میکنم
ازین حدیث مفهوم میشود که سادات پیرزادگان و اقربای خود اگر کافر باشند یا رافضی و خارجی که بکفر رسانند دوستی با آنها نباید
کرد لیکن از صلهٔ احسان دریغ نباید کرد قال اللّٰه تعالی لَا یَنْهٰکُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْکُمْ فِی الدِّیْنِ
وَلَمْ یُخْرِجُوْکُمْ مِّنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ
یعنی بر کفار اهل ذمه هم احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست **فصل** ملحق بحق والدین است حق مرضعه که حق سبحانه تعالی
حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب و جمع بین الاختین در نکاح حرام است رضاعاً چنانچه بین الاختین نسباً
حرام است تا موجب قطع نباشد ابی داؤد از ابی الطفیل روایت کرده که رسول صلعم برای مرضعه خود چادر خود فرش
کرده و بر آن نشانید **قسم ثالث** قسم دیگر از حقوق حق کسانیکه حق تعالی آنها را مظهر قهاری و مالکیت خود ساخته
و آن حق سلطان مسلم و امیر مسلم و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق سید بر عبد و حق قهرمان خانه بر
تمام اهل بیت که بند و بست ملک و شهر و خانه بوحدت قهری تعلق دارد **فصل** اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر لشکر
واجب است بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکنند اگرچه خلاف طبع آنها باشد قال اللّٰه تعالی اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَ
اَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ و سلطان هم داخل اولی الامر اند و رسول فرموده مَنْ اَطَاعَنِیْ فَقَدْ
اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ عَصَی اللّٰهَ وَمَنْ یُّطِعِ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَنِیْ وَمَنْ یَّعْصِ الْاَمِیْرَ
فَقَدْ عَصَانِیْ وَاِنَّمَا الْاِمَامُ جُنَّةٌ یُقَاتَلُ مِنْ وَّرَائِهٖ وَیُتَّقٰی بِهٖ فَاِنْ اَمَرَ بِتَقْوَی اللّٰهِ وَعَدَلَ
فَاِنَّ لَهٗ بِذٰلِكَ اَجْرًا وَاِنْ قَالَ بِغَیْرِهٖ فَاِنَّ عَلَیْهِ مِنْهُ وِزْرًا متفق علیه عن ابی هریرة یعنی هر که
فرمانبرداری من کرد فرمانبرداری خدا کرد و هر که نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و هر که فرمان

مملوکان و بندگان خود رحمت واجب کرده پس کسی را که در دنیا راعی ساخته و مالک کرده و بندگان بر ایشان واجب ساخته قال رسول الله
علیه السلام والصلوٰة الا کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته فالامام الذی علی الناس راع
وهو مسئول عن رعیته والرجل علی اهل بیته وهو مسئول عن رعیته والمرأة
راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عن رعیتها وعبد الرجل راع علی مال
سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته
متفق علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعیست و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بحال آنها
پرداخته یا آنها را ضائع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام مردمان راعیست سوال کرده خواهد شد از رعیت و مرد در اهل بیت
راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد و زن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام
بر مال مولی راعیست از آن سوال کرده خواهد شد **فصل** در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرموده ما من
وال یلی رعیة من المسلمین فیموت وهو غاش الا حرم علیه الجنة
متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد در حالیکه خیرخواهی رعیت
نکرده باشد مگر آنکه حق تعالی بروی بهشت را حرام کرده فرموده اللهم من ولی من امر امتی شیئا فشق
علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق رواه مسلم عن عائشه
یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد بر آنها پس سختی کن برو و هر که والی
شود از کارهای امت من چیزی را پس بآنها نرمی و مهربانی کند تو بروی نرمی و مهربانی کن و مسلم از عبد الله بن عمر
روایت کرده که رسول فرموده عادلان بر منبرها نور باشند نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و اهل آنها و در آنچه
والی کرده شده اند و دارمی از ابی هریره از آنحضرت علیه السلام آورده که فرموده نباشد سر گروه ده کس مگر آنکه آورده شود روز
قیامت بسته تا که بگشاید او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرموده ان احب الناس الی الله یوم القیمة واقربهم
منه مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیمة واشدهم عذابا
امام جائر رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین مردمان بسوی خدا روز قیامت و نزدیکترین مردمان
بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین مردمان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه
ظالم باشد و فرموده ان السلطان ظل الله فی الارض یأوی الیه کل مظلوم من عباده
فاذا عدل کان له الاجر وعلی الرعیة الشکر واذا جار کان علیه الاصر وعلی

حقوق رعایا بر سلطان

اَلرَّعِیَّةِ اَلصَّبْرُ رواه البیهقی عن عمر ابن عمر یعنی پادشاه سایهٔ خداست در زمین می آید بسوی وی هر مظلوم از بندگان
حق پس اگر عدل کرد او را ثواب باشد و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بر وی عذاب و بر رعیت صبر واجب شود **فصل**
بر قاضی حکم بحق فرضست حکم خلاف شرع قریب کفر و ظلم و فسق که الله تعالی فرمود وَمَنْ لَّمْ یَحْکُمْ بِمَا
اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْکٰفِرُوْنَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ
الْفٰسِقُوْنَ رسول فرمود صلعم اَلْقُضَاةُ ثَلٰثَةٌ وَاحِدٌ فِی الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِی النَّارِ فَاَمَّا الَّذِیْ
فِی الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضٰی بِهٖ وَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارَ فِی الْحُکْمِ فَهُوَ فِی النَّارِ
وَرَجُلٌ قَضٰی لِلنَّاسِ عَلٰی جَهْلٍ فَهُوَ فِی النَّارِ رواه ابو داود وابن ماجه عن بریده یعنی قاضیان
سه قسمند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم بحق کند این در بهشت باشد دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این
هر دو در دوزخ باشند و ابو داود از ابو هریره روایت کرده هر که قاضی شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت
و هر که غالب شود جور او بر عدل او در دوزخ باشد **فصل** در حق زن بر شوهر حق تعالی میفرماید وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِیْ
عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ یعنی زنانرا بر ذمهٔ مردان حقیست چنانچه مردانرا بر زنان حقیست رسول کریم میفرماید اِنَّ مِنْ اَکْمَلِ الْمُؤْمِنِیْنَ
اِیْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَاَلْطَفُهُمْ بِاَهْلِهٖ رواه الترمذی عن عائیشه و روی الترمذی عن ابو هریره نحوه یعنی
از کاملترین مومنان بایمان کسی باشد که خوبترست از روی خلق و مهربان ترست باهل خود و فرمود خَیْرُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاَهْلِهٖ
وَاَنَا خَیْرُکُمْ لِاَهْلِیْ رواه الترمذی عن عائیشه یعنی بهترین شما کسی است که بهترست بر اهل خود و من بهترم برای
اهل خود و معاویه قشیری از رسول کریم پرسید که حق زن بر شوهر چیست فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی چون
خود بپوشی و مزن بر روی او و بد مگو او را و او را تنها گذاشته نروی مگر در خانه باشی رواه احمد و ابو داود وابن ماجه
و فرمود آنحضرت صلعم روزی امشب زنان بسیار بخانه من آمدند و شکایت شوهران خود میکردند آن مردان خوب کس
نیستند رواه ابو داود وابن ماجه والدارمی عن ایاس بن عبد الله **فصل** در حق شفقت بر فرزندان رسول کریم
فرمود مَنْ عَالَ جَارِیَتَیْنِ حَتّٰی تَبْلُغَا جَآءَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اَنَا وَهُوَ هٰکَذَا وَضَمَّ اَصَابِعَهٗ رواه مسلم عن
انس یعنی هر که پرورش کند دو دختر را تا که بالغ شوند بیاید روز قیامت من و او چنین و دو انگشت مبارک با هم ضم کرده و
در صحیحین از عائیشه مرویست که زنی نزد من آمد با دو دختر بود و نان از من سوال کرد و نزد من چیزی نیافت مگر یک خرما
پس دادم او را پس آن زن خرما را در میان هر دو دختر تقسیم کرد و از خود هیچ نخورد و رفت پس چون نبی صلی الله علیه وسلم
آمد و قصه عرض کردم فرمود مَنِ ابْتُلِیَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَیْءٍ فَاَحْسَنَ اِلَیْهِنَّ

كُنَّ لَهُ سِتْراً مِنَ النَّارِ یعنی هر که مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با آنها نیکی کند او را پرده شوند از آتش و هم در صحیحین از عایشه مرویست که یک دهقانی نزد رسول صلعم آمد و گفت که شما اطفال را بوسه میکنید ما بوسه نمیکنیم پس آنحضرت صلعم فرمود او را أَوَأَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ یعنی اگر خدا تعالی از دل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد

فصل در حق مملوکان رسول کریم فرموده إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ متفق علیه عن أبي ذر یعنی برادران شما اند کرده است آنها را الله تعالی زیر دست شما پس هر که را حق تعالی برادر او را زیر دست او کند پس باید که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف ندهد او را بکاریکه بروی شاق باشد و اگر بکاریکه شاق امر کند خود هم مددگاری وی کند بر آن کار و فرموده إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا قَلِيلًا فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رواه مسلم عن ابي هريرة یعنی وقتیکه طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیاید به طعام بدستیکه گرمی آتش و دود او برداشته است پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه و فرموده مَنْ قَذَفَ مَمْلُوكَهُ وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ متفق علیه عن ابي هريرة یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را و او بری باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حد قذف زند و فرموده مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعْتِقَهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حد و او موجب حد نکرده است یا او را طپانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه روایت کرده که من غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادر است از آنچه تو بر غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود صلعم گفتم یا رسول الله این برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نمیکردی آتش ترا میرسید آخر کلام رسول در مرض موت او بود الصَّلٰوةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رواه البيهقي في شعب الايمان عن ام سلمة واحمد وابو داود عن علي نحوه یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت صلعم ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسَّرَ اللّٰهُ حَتْفَهُ وَأَدْخَلَهُ جَنَّتَهُ رِفْقٌ بِالضَّعِيفِ وَشَفَقَةٌ بِالْوَالِدَيْنِ وَإِحْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ رواه الترمذي عن جابر یعنی سه صفتند هر که در وی باشد حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت

مہربانی بر ضعیفان شفقت بر پدر و مادر و نکوی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم عفو تقصیر کنم
آنحضرت دو بار جواب ندادند مرتبه سوم فرمود که هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبد الله بن عمر و ابو داود عن عمرو
آنحضرت آگاه باشید خبر رسیدم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی هست که تنها بخورد و تنها بخیزد مملوک خود را و ندهد رفد خود را رواه
رزین عن ابی هریره معنی رفد اعانت و مددگاری است و در قریش رسم بود که هر کس بقدر طاقت خود مال می آورد پس مال
بسیار جمع میشد پس از آن طعام و کشمش خریده میکردند و در موسم حج مردم را میخورانیدند و شربت مینوشانیدند پس رفد
عبارتست از مالی که اہل شہر جمع کرده برای صادر و وارد و مساکین نگاه دارند **فصل** مملوک اگر جانور باشد بر آن هم
احسان ضرورت رسول کریم شتری لاغر دید فرمود اتَّقُوا اللهَ فِي هٰذِهِ الْبَهَائِمِ الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوهَا صَالِحَةً
وَاتْرُكُوهَا صَالِحَةً رواه ابو داود عن سہل بن حنظلہ یعنی بترسید از خدا در حق این جانوران بی زبان سواری کنید برآنہا
بخوبی و بگذارید آنہا را بخوبی **قسم پنجم** قسمی دیگر از حقوق العباد حق همسایه و هم صحبت و همسفرست که مظهر قرب او تعالی
هستند قال الله تعالى وَاعْبُدُوا اللهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ
وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ یعنی عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نکوئی کنید با پدر و مادر و نکوئی کنید
و با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه بخانه متصل باشد یا آنکه همسایه باشد
قرابت و نسب یا در دین داشته باشد و همسایه که نه چنین باشد و یار صحبت و ابن عباس و مجاهد و عکرمه گفته که صاحب
بالجنب همسفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مراد از آن زنست و مسافران بعضی گویند که از ابن السبیل
مهمان مراد است و مملوکان خود را رسول فرمود اَلْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ فَجَارٌ لَهُ ثَلَاثَةُ حُقُوقٍ حَقُّ الْجِوَارِ
وَحَقُّ الْقَرَابَةِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ وَجَارٌ لَهُ حَقَّانِ حَقُّ الْجِوَارِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ وَجَارٌ لَهُ
حَقٌّ وَاحِدٌ وَهُوَ الْمُشْرِكُ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ رواه ابو نعیم فی الحلیة والحسن بن سفیان والبزار
فی مسندیهما عن جابر یعنی همسایگان سه قسمند یکی همسایه است که او را سه حقست حق جوار و حق قرابت و حق اسلام و یکی همسایه را
دو حقست حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حقست که مشرک باشد از اهل کتاب و ابن عدی از عبد الله بن عمر همچنین
روایت کرده که رسول فرمود كَمْ مِنْ جَارٍ يَتَعَلَّقُ بِجَارِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ سَلْ هٰذَا لِمَ أَغْلَقَ عَنِّي بَابَهُ وَ
مَنَعَنِي فَضْلَهُ رواه الاصفهانی عن ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار بپرس از این چرا بند کرده
دروازه خود را از من و منع داد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود که همیشه جبرئیل مرا به همسایه

احسان با مملوکان

حقوق ہمسایگان

وارث گردانند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود ؐ وقتیکه گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان را ضیافت کن
عایشه رض از رسول صلعم پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه هستند بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود هر که نزدیکتر باشد دروازه
او فرمود رسول ؐ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُحْسِنْ اِلٰى جَارِهٖ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهٗ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا اَوْ لِيَصْمُتْ
رواه البغوی رح فی الصحیحین عن ابی هریرة نحوه یعنی هر که بخدا و روز قیامت ایمان داشته باشد باید که با همسایه خود نکوئی کند
و مهمان را گرامی دارد و آنچه نیک باشد سخن گوید یا خاموش باشد سخن بیفایده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را
که در خانه علیحده میباشد چنین حق ثابت شده پس همصحبت و همسفر را بطریق اولی حق واجبست چنانچه بنا بر همصحبتی رسول
کریم اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجبست که همنشینی و دوستی با نیکان
کند با کافران و فاسقان نکند رسول فرموده مَثَلُ الْجَلِيْسِ الصَّالِحِ وَالسُّوْءِ كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَ
نَافِخِ الْكِيْرِ فَحَامِلُ الْمِسْكِ اِمَّا اَنْ يُّحْذِيَكَ وَاِمَّا اَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَاِمَّا اَنْ
تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا طَيِّبَةً وَنَافِخُ الْكِيْرِ اِمَّا اَنْ يُّحْرِقَ ثِيَابَكَ وَاِمَّا اَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا
خَبِيْثَةً متفق علیه عن ابی موسیٰ و فی روایة يُحْرِقُ بَيْتَكَ اَوْ ثَوْبَكَ اَوْ تَجِدُ مِنْهُ
رِيْحًا خَبِيْثَةً یعنی حال همسایه نیک و همسایه بد آنچنانست که همسایه نیک مانند صاحب مشک هست یا ترا خواهد
داد و یا تو از و خرید خواهی کرد ورنه بتو بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بته آتش آهنگر ست که خانه
تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد از و بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید و همچنین حاکم و ابو داؤد از انس از آنحضرت صلعم
روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروش است اگر عطر بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید احمد و ابو داؤد و ترمذی و حاکم
از ابی سعید خدری روایت کردند که فرمود آنحضرت صلعم همنشینی مکن مگر با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام ترا نخورد مگر
متقی و بغوی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرموده صلعم که آدم بر دین و مذهب دوست خود میباشد پس ببین که با که
دوستی دارد همچنین در صحیحین از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود اَلْمَرْءُ مَعَ مَنْ اَحَبَّ
یعنی انسان در آخرت با کسی ملحق شود که او را دوست میدارد و حق تعالی میفرماید اَلْاَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۭ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِيْنَ یعنی دوستان روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که مردم بسبب صحبت
بر دوستی کردن با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت يٰوَيْلَتٰى لَيْتَنِىْ لَمْ اَتَّخِذْ
فُلَانًا خَلِيْلًا ای هلاکی کاشکی من نمیگرفتم فلان کس را دوست مولوی رح در هم میگوید

دور شو از اختلاط یار بد • یار بد بدتر بود از مار بد • مار بد تنها همین بر جان زند • یار بد بر جان و بر ایمان زند • صحبت صالح
ترا صالح کند • صحبت طالح ترا طالح کند • نار خندان باغ را خندان کند • صحبت نیکان ترا نیکان کند • در صحیحین
از ابوهریره رضی مرویست که در حدیث طویل از رسول کریم در حق جماعت ذاکرین گان که چون حقتعالی بر ایشان رحمت کند و بخشاید
تمام همنشینان آنها را بخشاید فرشته از فرشتگان گوید ای پروردگار مرویست گنهگار را از آنها نیست برای کاری آمده نزد آنها
نشست حق تعالی فرماید که او را هم بخشیدم آن قومیست که همنشین شان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم صلعم از همنشین بد و همسایه
بد بخدا پناه جسته طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ
یَوْمِ السُّوْٓءِ وَمِنْ سَاعَةِ السُّوْٓءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوْٓءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوْٓءِ وَمِنْ جَارِ السُّوْٓءِ فِیْ
دَارِ الْمُقَامَةِ یعنی الهی پناه میجویم بتو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن بدی
واقع شود و از همنشین بدی و همسایه بدی یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که در خانه اقامت همسایه باشد و برای
احتراز از همسایه بد رسول کریم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده **فایده** پس شفیع را باید که اگر مشتری نیکو است طلب شفعه نکند
و اگر بد است از خریدار او راضی نشود **قسم ششم** قسمی دیگر از حقوق العباد حق عامه مومنین است خصوصاً از آنها حق کسی
است که عاجز و یتیم و مسکین یا بیمار یا بیوه حق سائلیست و حق مسافر و مهمان که وارد شود قال الله تعالی وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی
حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَالسَّآئِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ
و فرمود وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهٗ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ یعنی نیکو کار کسی است که داد مال بر
دوستی خدا ذوی القربی و یتیمان و مسکینان و مسافران و سائلان را و در آزادی بندگان و فرمود حق تعالی فَاَمَّا
الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن و فرمود آنحضرت صلعم اَنَا وَ
کَافِلُ الْیَتِیْمِ لَهٗ فِی الْجَنَّةِ هٰکَذَا رواه احمد و البخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعد
یعنی من و بار بردارنده یتیم در جنت همچنین باشند و اشارت کرد بدو انگشت خود و فرمود مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْیُکْرِمْ ضَیْفَهٗ جَآئِزَتُهٗ یَوْمٌ وَّلَیْلَةٌ وَضِیَافَتُهٗ ثَلٰثَةُ اَیَّامٍ
فَمَا بَعْدَ ذٰلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت پس باید که
گرامی کند مهمان خود را یک شبانه روز در مهمانی او تکلف باید نمود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه است
و فرمود صلعم لِلسَّآئِلِ حَقٌّ وَّاِنْ جَآءَ عَلَی الْفَرَسِ رواه ابو داود عن الحسین بن علی رضی الله عنهما و احمد
عن الحسین یعنی سوال کننده را حق میباشد اگر چه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگر چه غنی باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است

ورسول فرمود لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتَّةٌ بِالْمَعْرُوفِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ وَيُجِيبُهُ
إِذَا دَعَاهُ وَيُشَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ وَيَعُودُهُ إِذَا مَرِضَ وَيَتْبَعُ جَنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ وَ
يُحِبُّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ رواه احمد والترمذي وابوداود عن علي والنسائي عن ابي هريره رض نحوه یعنی مسلمان را بمسلمان
شش حق اند سلام گوید بروی چون ملاقات کند وجواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون
حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی کند چون بیمار شود وهمراه جنازه او رود چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای
نفس خود و اصفهانی از علی رض از آنسرور علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی یرحمک الله
گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت و همچنین ابونعیم از سعید بن
جبیر روایت کرده و مسلم از ابی موسی روایت کرده که آنسرور فرمود اگر کسی بعد عطسه الحمد لله گوید او را یرحمک الله بگویید و اگر نگوید
نگویید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که پرهیز کنید از نشستن بر راهها
یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق او اکنید راه را گفتند که حق راه چیست
فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمشروع و نهی کردن از نامشروع و ابوداود
از عمر درین قصه زیاده کرده و فریاد رسی کنید رنج رسیده را و راه نمایید گم شده را قال الله تعالی وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ
فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید
بر شما پس جواب بگویید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب السلام علیکم گویید علیکم السلام یا ضم کنید با او ورحمة الله یا ورحمة الله وبرکاته
مسلم از ابوهریره رض روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد
تا که با هم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزی که با هم دوست شوید افشوا السلام بینکم یعنی بسیار کنید سلام با هم و
از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرده که کسیکه اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از خصلتهای
اسلام کدامی بهتر است فرمود بخورانی طعام و بخوانی سلام بر هر که شناسی یا نشناسی آیه کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام وارد شده
لیکن بعموم لفظ دلالت دارد بر انکه مسلمانی با مسلمانی هرچه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره سلام
بدست یا بسر یا تواضع یا استادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد ثانی را باید که مکافات او
بمثل آن کند یا بهتر از آن کند کلمه إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا بر آن دلالت دارد یعنی حق تعالی
بر هر چیز حساب کننده است احمد ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیه شما مصافحه است و آنحضرت
فرموده با هم مصافحه کنید کینه دور شود و با هم هدیه بفرستید محبت زیاده شود و کینه برطرف گردد و فرمود آنحضرت

که اگر دو مسلمان باهم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد و آنحضرت ابوذر را در بغل گرفته فرمود که اینها بسیار خوب است
رواه ابوداؤد و فرمود آنحضرت ﷺ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ اَنْ يَهْجُرَ اَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ
فَيُعْرِضُ هٰذَا وَيُعْرِضُ هٰذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِيْ يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ متفق علیه عن ابی ایوب
الانصاری یعنی حلال نیست مرد را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه روز ملاقی شوند هر دو پس اعراض کنند
از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند به سلام ابوداؤد از عائشه از آنحضرت ﷺ روایت کرده که فرمود که مسلمان را
جائز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس وقتیکه یکی با دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد
گناه هر دو را بر خود گرفت احمد و ابوداؤد از ابوهریره نیز روایت کرده که آنحضرت ﷺ فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود
مسلمان را زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود ابوداؤد از ابوهریره هم
در روایت دیگر بدین مضمون مذکور نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید پس
اگر او جواب داد هر دو داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دوم باقی ماند و او از گناه مهاجرت کرده بیرون شد و فرمود
رسول الله ﷺ اِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَاِنَّ الظَّنَّ اَكْذَبُ الْحَدِيْثِ وَلَا تَجَسَّسُوْا وَلَا تَحَاسَدُوْا
وَلَا تَبَاغَضُوْا وَلَا تَدَابَرُوْا وَكُوْنُوْا عِبَادَ اللّٰهِ اِخْوَانًا وَفِيْ رِوَايَةٍ وَلَا تَنَافَسُوْا عن ابی هریره یعنی دور باشید
از بدگمانی که بدگمانی دروغ ترین سخنهاست یعنی اگر شخصی عیب کسی گوید نشنوید و جاسوسی نکنید یعنی در عیبهای
مردم سعی کرده دریافت نکنید و باهم حسد نکنید که از دیدن خوبی دیگری ناخوشی بردارید و باهم بغض و عداوت نکنید و باهم
تقاطع مکنید یعنی یکی به دیگری پشت کند و از رو گردانند و باشید بندگان خدا باهم برادر و در روایتی آمده ولا تنافسوا
یعنی هر کس شئ نفیس را بسوی خود کشد و دیگر برادران شرکت نخواهد و آنحضرت فرمود که درهای بهشت روز دوشنبه و روز
پنجشنبه کشاده میشود و حق تعالی هر مسلمان را ببخشد مگر آن دو کس را که باهم عداوت داشته باشند و بگوید بگذارید اینها را تا که
باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت مردی مردی را بگیرد و او گوید که تو با من چکار
داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بد دیدی یعنی نهی از منکر نکردی رخصت کردی و صورتیکه داند که او قبول نخواهد
کرد و رسول مقصود صلی الله علیه وسلم لَا يَرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ لَّا يَرْحَمُ النَّاسَ متفق علیه عن
جریر بن عبدالله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمیکند بر مردمان فرمود اَلرَّاحِمُوْنَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمٰنُ
اِرْحَمُوْا مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ رواه ابوداؤد والترمذی
عن عبدالله بن عمرو یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید کسانیکه در زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی حکم

او هبا یفت و اسما بنت رحم کنند ملائکه آسمان فرمود مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يَعْرِفْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا
رواه البخاري في الأدب وابو داود عن ابن عمر یعنی هر که رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول
نیست دروغگو کسی که صلح کناند در مردم بگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه
روایت کرده و احمد و ترمذی از اسما بنت یزید روایت کرده که گفت رسول صلعم حلال نیست دروغ گفتن مگر سه جا
دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه غدر نباشد و دروغ گفتن برای صلح
در مردم فرمود صلعم أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلٰوةِ صاحبان گفتند بلی
یا رسول الله فرمود إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابو داود والترمذي
عن ابی درداء و قال هذا حدیث صحیح آنحضرت اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را چیزی که افضل باشد در درجه از روزه
و صدقه و نماز اصحاب گفتند آری خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم افضل است از روزه و صدقه
و نماز و فساد کردن در مردم حالقه است فرمود آنحضرت دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمُ الْحَسَدُ وَ
الْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ لٰكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ رواه احمد والترمذي عن زبير یعنی
آمد بسوی شما مرضیکه در امتهای پیشین بود باهم حسد کردن و بغض نمودن این صفت حالقه است یعنی تراشنده نمیگویم
که موی را میتراشد بلکه دین را میتراشد و فرمود آنحضرت صلعم پرهیز کنید از حسد بدرستیکه حسد میخورد نکوییها را چنانچه میخورد
آتش را رواه ابو داود و عن ابی هریره و فرمود آنحضرت صلعم إِيَّاكُمْ وَسُوءَ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّهَا
الْحَالِقَةُ رواه الترمذي عن ابی هریره یعنی پرهیز کنید از بدی در میان مردم که این صفت تراشنده است دین را
و فرمود آنحضرت صلعم مَنْ ضَارَّ ضَارَّ اللهُ بِهِ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللهُ عَلَيْهِ رواه ابن ماجه والترمذي
عن ابی صرمه یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند و هر که مشقت دهد دیگری را خدا او را مشقت دهد و ترمذی
از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت صلعم که ملعون است کسی که مومنان را ضرر رساند یا مکر کند به آنها و ابو داود
از سعید بن زید از سرور عالم صلعم روایت کرده که فرمود که زبان دراز است در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول
فرمود مَنِ اعْتَذَرَ إِلَىٰ أَخِيهِ فَلَمْ يَعْذِرْهُ وَلَمْ يَقْبَلْ عُذْرَهُ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيئَةِ صَاحِبِ
مَكْسٍ رواه البيهقي عن جابر یعنی هر که عذرخواه بسوی برادر خویش و عذر قبول نکند باشد بروی
گناه مانند صاحب راهداری بدان ای اسعدک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاتر است از حقیقی حال
در حق قرابت نسبی پدر و مادر واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند ...

رسول کریم پدر ہمہ مومنانست حق تعالی میفرماید اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗ
اُمَّهٰتُهُمْ و در قراءة ابی بن کعب خوانده شد وَهُوَ اَبٌ لَّهُمْ یعنی نبی صلعم اولی است بر مومنان
از نفس آنها و ازواج او مادران مومنان هستند و او پدر آنهاست لهذا حق تعالی فرمود اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ
فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ یعنی نیستند مومنان باہم مگر برادران خود بنابر اخوة اسلامی ملائکه برای مومنان
استغفار میکنند حق تعالی میفرماید اَلَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ يُسَبِّحُوْنَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الآية و میفرماید اَلْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ
يَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح میکنند با حمد پروردگار خود و استغفار
میکنند برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر میفرماید فرشتگان تسبیح با حمد میکنند پروردگار خود را و برای
اهل زمین استغفار میکنند **سوال** اگر حق اخوة اسلامی از اخوة نسبی و دیگر حقوق بالاتر است پس تعلق اخوة نسبی را چرا
مقدم نوشتی حق تعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی را اولی و بهتر اند از مومنان مهاجران لهذا میراث
در قرابت نسبی است نه در قرابت اسلامی و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اَلصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِيْنِ
صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلٰى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رواه احمد والترمذی والنسائی
وابن ماجه عن سلیمان بن عامر **جواب** قرابت نسبی وغیره که بالا مذکور شده اند در همه آن اسلام شرط است و همه جا اسلام
معتبر است معنی آیت آنست که اولوا الارحام که مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارد بهتر اند
و وارث مقدم و مراد حدیث آنکه صدقه بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین مسلم
باشد دو ثواب دارد و لهذا اقربا اگر کافر باشند میراث بآنها نمی رسد بلکه بعامه مومنین رسد و در بیت
المال که خزانه عامه مومنین است داخل کرده شود و اگر پدر هم کافر باشد گو نفقه او بر پسر واجب است
لیکن محبت و دوستی با وی نباید کرد بلکه بیزاری باید نمود قال الله تعالی مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ
اٰمَنُوْٓا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْٓا اُولِيْ قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ
لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَآ
اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗٓ اَنَّهٗ یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند
آنها صاحب قرابت بعد از آنکه ظاهر شود آنها را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای

پدر خود مگر از جهالت وعده که به پدر بادی کرده بود که اسلام خواهم آورد و بس هرگاه که ظاهر شد بر وی که این دشمن خداست
از وی بیزاری کرد قال علیه السلام حدیث کل نسب وصهر ینقطع یوم القیمة الا نسبی وصهری
صحیح است ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی و قرابت صهری داماوی که باشد روز قیامت منقطع خواهد شد
مگر قرابت نسبی و صهری من مراد پیغمبر این نیست که قرابت همه مومنان غیر هم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست
که همه مسلمانان فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان
میفرماید والذین امنوا واتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم
وما التناهم من عملهم من شیء یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولاد شان تابع ایشان شدند در ایمان اولاد شان را
در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد و هیچ نیز حق تعالی میفرماید وما اموالکم
ولا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی الا من امن وعمل صالحا
یعنی اموال کافران و اولاد آنها نزد ما نزدیک نخواهند کرد مگر کسیکه ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال
و اولاد آنها نزد ما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران فرموده فلا انساب بینهم یومئذ
یعنی نسبهای شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت فرمود وتقطعت بهم الاسباب
منقطع خواهد شد در میان شان اسباب وصلت ازین آیات دیگر و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم معلوم میشود
که نسب در مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگر را مفید خواهد شد هم بسبب قرابت و هم بسبب شفاعت وغیره و کافران را
هیچ فایده نخواهد کرد یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه وصاحبته وبنیه
الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین یعنی روز قیامت بگریزد از برادر
خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز با هم دشمن خواهند مگر متقیان غرض ازین
کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در اسلام و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت
اولی و احق باشد والله اعلم **قسم هفتم** دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم کرده اند
و این هم در حقوق الله است و هم در حقوق الناس و هر یک ازان به سه قسمت قسمی آنست که سبب وجوب
آن طاعت باشد دوم آنکه سبب وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه سبب آن امری مباح باشد **فصل** چون بنده که سبب وجوب [illegible]
آن نذر است بعبادت اگر نذر کند بعبادت مقصوده که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه [illegible]
آن نذر مطلق است یا مشروط بشرطیکه موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا [illegible]

یا غایب قدوم کند صد روزه دارم ایفای اینچنین نذر فرض است بعد وجوب در شرط ثانی قال الله تعالی ولیوفوا
نذورهم یعنی باید که وفا کنند نذرهای خود را و آنچه بعبادتی غیر مقصود کنند چنانچه نذر کند که برای هر نماز وضوی جدید کرده
باشم ایفای آن مستحب است واجب نیست و نذر بمعصیت باطل است چنانچه گوید که اگر بیماری شفا یابد سرود کنانم رسول
فرمود لا نذر فی معصیة الله یعنی نذر بمعصیت جایز نیست و نذر بامر مباح هم لغو است و سوای
متعدا اند کردن پای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه است قریب بشرک **فصل** در حق الله تعالی که سبب آن امر مباح است
چون کفاره یمین و در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد افطار مسافر یا مریض روزه رمضان که سبب وجوب قضا است
فصل در حق الله که سبب آن معصیت است چون حدود که بسبب زنا یا سرقه یا شرب یا قذف واجب شود و کفارات
که بسبب افطار روزه یا قتل خطا یا ظهار واجب شود **فصل** حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایفای وعده چیزی که ضرورت
قال الله تعالی واوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه سوال کرده شود بدان
و رسول فرمود العدة دین رواه الطبرانی عن علی و ابن مسعود و روی ابن عساکر عن علی عنه صلعم
العدة دین ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد
ثم اخلف یعنی وعده حکم دین دارد و هلاکت است مر کسی را که وعده کند پس وفا نکند اینکلمه سه بار فرمود و در صحیحین از ابی هریره
مرویست که رسول فرمود صلعم آیة المنافق ثلث زاد مسلم و ان صام وصلی وزعم انه
مسلم ثم اتفقا اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا ائتمن خان
یعنی علامت منافق سه چیز است و مسلم زیاده آورده و گفته اگرچه روزه دارد و نماز گذارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه چون
سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبدالله بن عمر مرویست
که رسول فرمود صلعم چهار چیز است هر که این چهار در وی باشد منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن
گوید دروغ گوید و چون عهد کند غدر و فریب کند در آن و چون نزاع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد که سبب آن امری
مباح باشد آن دینست و مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استیجاره و استعاره و استیداع و استقراض و نکاح و خلع و مانند
آن لازم شود ادای این حقوق یعنی تسلیم بیع بعد قبض ثمن مشتری و تسلیم نفقه زوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای
ثمن و قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت و مانند آن از فرائض مقام مخصوص است و از حقوق الله تعالی که
[illegible] دارند اولی بالاداست دو تلف این حقوق و عدم ادای بوی احتمال عدم مغفرت
است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم یغفر للشهید کل ذنب الا الدین

۲۵

رواه مسلم عن عبد الله بن عمرو یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین فرمود مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ متفق علیه
عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلم است جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا
بر روی این کسی هست گفتند نی آنحضرت بروی نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بر روی این کسی هست یعنی حق بندگان گفتند
هست گفت مالی گذاشته است گفتند آری سه دینار آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بر روی این کسی هست
گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند نی فرمود شما نماز بروی بخوانید ابو قتاده گفت یا رسول الله
دین او بر خود گرفتم نماز بروی بخوان آنگاه نماز خواند بخاری از سلمه بن اکوع روایت کرده بغوی در شرح
سنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه آمد رسول علیه السلام پرسید که بر روی این هست گفتند آری
آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است گفتند نی حضرت فرمود که شما بخوانید علی رض گفت که دین او بر خود گرفتم
آنوقت نماز خواند گفت علی را که حق تعالی ترا از بند رها کناد چنانچه تو یار خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده
که مردی گفت یا رسول الله درحالیکه رو بر قتال داده باشم پشت نداده باشم حق تعالی گناهان بخشد فرمود آری مگر دین
این سخن جبرئیل گفت و برای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً
یعنی بدهید زنان را مهرهای شان بخوشی دل از مال حلال بی شبهه بنابر روایت فرمود اَعْطُوا الْاَجِيْرَ اَجْرَهٗ
قَبْلَ اَنْ يَّجِفَّ عَرَقُهٗ رواه ابن ماجه عن ابن عمر وابو یعلی عن ابی هریرة والطبرانی عن جابر والحکیم الترمذی عن انس
یعنی بدهید مزدور را مزدوری او پیش از آنکه خشک شود عرق او و رسول فرمود اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَاَتَهٗ
اِلٰى فِرَاشِهٖ فَاَبَتْ فَبَاتَ لَعَنَتْهَا الْمَلٰٓئِكَةُ حَتّٰى تُصْبِحَ متفق علیه عن
ابی هریرة یعنی وقتیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند و او انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح برآن لعنت کنند
قال الله تعالی اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند
شما را که امانتها را بمالکان شان واپس کنید **وصل** اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و او را میسر نشود و بمیرد امید است
که حقتعالی در آخرت دائنان او را راضی سازد و او را به بهشت برد رسول فرمود مَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ
وَفِيْ نَفْسِهٖ وَفَاؤُهٗ ثُمَّ مَاتَ تَجَاوَزَ اللّٰهُ عَنْهُ وَاَرْضٰى غَرِيْمَهٗ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ
بِدَيْنٍ وَلَيْسَ فِيْ نَفْسِهٖ وَفَاؤُهٗ ثُمَّ مَاتَ اقْتَصَّ اللّٰهُ تَعَالٰى لِغَرِيْمِهٖ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
رواه الحاکم عن ابی امامة یعنی هر که معامله کند دین بروی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حقتعالی او را
بخشد و دائنان او را راضی سازد و هر که معامله کند دین بسیار شود و اراده ادا نداشته باشد عوض [illegible]

حق تعالی غرمای او را روز قیامت طبرانی وحاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت من ادّی
دَيْنًا وَهُوَ يَنْوِي اَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَمَاتَ فَقَالَ اللهُ تَعَالٰى يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
اِنِّي لَاٰخُذُ بِعَبْدِي بِحَقِّهٖ فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهٖ فَيُجْعَلُ فِي حَسَنَاتِ
الْاٰخَرِ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ لَهٗ حَسَنَاتٌ اُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ الْاٰخَرِ فَيُجْعَلُ عَلَيْهِ
یعنی هر که بگیرد قرض واراده ادای دین نداشته باشد بگوید حقتعالی که من بنده خود را ازین حق گیرم پس از حسنات مدیون این
و ما نیده شود واگر حسنات نباشد گناهان دائن بر مدیون نهاده شود وطبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند
هر که بمیرد و نیت ادای دین داشته باشد پس من ولی آنم یعنی او را بخشانیم واز حق تعالی دین او ادا کنانم
هر که بمیرد و نیت ادای دین ندارد گرفته شود از حسنات او و در آن روز درهم و دینار نیست وچنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست

فصل وحقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قتل عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقه یا
خیانت یا آبروی کسی بردن از دشنام مانند آن یا غیبت ادای این حق رد مظلمه واسترضای مظلوم است بدون
استرضای مظلوم عفو مغفرت در اتلاف چنین حقوق نمیتواند شد الا ما در رسول فرمود الدَّوَاوِيْنُ ثَلٰثَةٌ فَدِيْوَانٌ
لَا يَعْبَأُ اللهُ بِهٖ شَيْئًا وَدِيْوَانٌ لَا يَتْرُكُ اللهُ مِنْهُ شَيْئًا وَدِيْوَانٌ لَا يَغْفِرُهُ اللهُ اَمَّا الدِّيْوَانُ
الَّذِيْ لَا يَغْفِرُهُ اللهُ فَالشِّرْكُ وَاَمَّا الدِّيْوَانُ الَّذِيْ لَا يَعْبَأُ اللهُ بِهٖ شَيْئًا فَظُلْمُ
الْعَبْدِ نَفْسَهٗ فِيْمَا بَيْنَهٗ وَبَيْنَ رَبِّهٖ مِنْ صَوْمٍ تَرَكَهٗ اَوْ صَلٰوةٍ تَرَكَهَا فَاِنَّ اللهَ
تَبَارَكَ وَتَعَالٰى يَغْفِرُ ذٰلِكَ وَيَتَجَاوَزُ لِمَنْ يَّشَاءُ وَاَمَّا الدِّيْوَانُ الَّذِيْ لَا يَتْرُكُ اللهُ
مِنْهُ شَيْئًا فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا اَلْقِصَاصُ لَا مَحَالَةَ رواه الحاکم واحمد عن عائشة رض یعنی
نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حق تعالی هیچ نمی شمارد او را و دیگری آنست که آنرا هیچ نمیگذارد و دیگر آنست که آنرا
هرگز نمی بخشد آن نامه که آنرا نمیبخشد هرگز آن شرکست وآن نامه که آنرا هیچ نمیشمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود بترک
حقوق حقتعالی از ترک روزه ونماز و مانند آن پس حقتعالی می بخشد این را هر کرا میخواهد وآن نامه که از آن هیچ نمیگذارد
آن ظلم بندگانست یکی بر دیگری در آن عوض وقصاص خواهد شد البته وطبرانی و مانند آن از سلمان و بزاز
همچنین از انس روایت کرده اند وفرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر که باشد نزد او مظلمه برادر
برادر خود باید که در دنیا از و بخشاید که در روز قیامت نه دینار است نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد بقدر
ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود واگر عمل صالح نباشد

گناهان مظلوم از و برداشته بر ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از ابی هریره روایت میکنند که رسول صلعم از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته باشد آنحضرت فرمود مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد و یک را تهمت زنا کرده باشد و کسی را مال خورده باشد و کسی را خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود و را او از و عوض گرفته شود هر یکی از حسنات او بگیرد پس چون از حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بوده باشد ادا نشده باشد گرفته شود گناهان مظلومان و نهاده شود بر وی پس انداخته شود در دوزخ انداخته شود و رسول فرموده **مَا مِنْ رَجُلٍ يَضْرِبُ عَبْدًا لَهُ إِلَّا أُقِيدَ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ** رواه البزاز و الطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ مردی نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت و همچنین حاکم از سلمان و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه و ابی بردة و انس روایت کرده و هناد از ابراهیم نخعی روایت کرده گفته بودند جماعه صحابه و تابعین میگفتند که اگر مردی دیگری را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که من این سگ را یا خوک یا خر آفریده بودم **فایده** ظلم چنانچه بر مسلم حرام است بر ذمی هم حرام است که عهد با اهل ذمه عهد رسول است صلی الله علیه وسلم عهد شکنی رسول صلعم لازم می آید رسول فرموده **مَنْ قَذَفَ ذِمِّيًّا لَهُ حُدَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِسِيَاطٍ مِنْ نَارٍ** رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی او را روز قیامت حد زده خواهد شد بدره از آتش و فرمود **أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَانْتَقَصَهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بِغَيْرِ طِيبِ نَفْسِهِ فَأَنَا حَجِيجُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ** یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت او یا گرفت از و چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت **فایده** باید دانست که هر گناهیکه باشد سوای شرک جزای آن متناهیست اگرچه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصاً مظالم هرگز مهمل گذاشته نشود و قصاص آن ضرورست مظلومان از ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقی ماند گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هرگاه که جزای سیئات منتهی شود اگرچه بعد مکث طویل شود ظالمان از مظالم پاک شوند آنزمان داخل بهشت کرده شوند بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود بهشت است همچنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود

نعوذ باللّٰه منها حق تعالی ازهمه مظالم در پناه خود دارد **شعر** مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست + یعنی در شریعت محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست **فایده** اگر بذمه شخصی مظالم بود و توبه کند و از ظلم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد درین صورت امید هست که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرموده

رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ جَثَیَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ مَظْلَمَتِیْ مِنْ اَخِیْ فَقَالَ اللّٰهُ اَعْطِ اَخَاكَ مَظْلَمَتَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ اللّٰهُ كَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهٖ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِیْ فَفَاضَتْ عَیْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِكَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمٌ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُّحْمَلَ عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللّٰهُ اِرْفَعْ رَاْسَكَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُّرْتَفِعَةً وَمِنْ ذَهَبٍ مُّكَلَّلَةً بِاللُّؤْلُؤِ لِاَیِّ نَبِیٍّ اَوْ لِاَیِّ صِدِّیْقٍ اَوْ لِاَیِّ شَهِیْدٍ هٰذَا فَقَالَ لِمَنْ اَعْطَی الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ وَمَنْ یَّمْلِكُ ذٰلِكَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِكُهٗ قَالَ بِمَ قَالَ بِعَفْوِكَ عَنْ اَخِیْكَ قَالَ رَبِّ اِنِّیْ قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی خُذْ بِیَدِ اَخِیْكَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَیْنِكُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ یُصْلِحُ بَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ رواه الحاکم والبیهقی وسعید بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت من دو زانو نشینند پیش رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمه من از برادر من بگیر حق تعالی امر فرماید که بده مظلمه برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است حق تعالی مظلوم را بفرماید چه میکنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او بگوید ای پروردگار گناهان من از من بردارد و از شنیدن این چشم مبارک آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم اشک ریخت و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد حق تعالی مظلوم را بفرماید که سر بردار و ببین در بهشت پس سر بردارد و بگوید که الهی شهرها می بینم از نقره عالی مرتبه و از زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود این شهر حق تعالی فرماید که این برای کسی است که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک اینقدر حق تعالی فرماید که تو مالک قیمت آن هستی او بگوید از چه چیز فرماید که ببخشید حق خود برادر خود را او گوید یا رب بخشیدم از وی حق تعالی فرماید که بگیر دست این را و داخل بهشت کن

۲۹

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بپرهیزید از غذاب خدا نیکوکاری با خود با کنید که حقتعالی در روز قیامت در مسلمانان آشتی خواهد کنانید
یعنی هر گرا خواهد و رسول فرمود روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ
یک آواز دهنده آواز دهد یعنی اهل جمیع مظالم با هم بخشید و ثواب شما بر خداست رواه الطبرانی عن انس وعن امهات نحوه
امام محمد غزالی گفته که این احادیث محمول شد بر کسیکه از مظالم توبه کنند و آینده ترک دهد و آنها ادا باشد که حقتعالی و رثهان
آنها بیغفر باشد انه کان للاوابین غفورا قرطبی گفته که این تاویل خوبست و حکم عام نیست اگر عام بودی کسی داخل
دوزخ نشدی سوال اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد به نفس یا مال یا آبرو مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام بمثل مظلمه
او جائز است و زیاده از آن حرام است عدم انتقام افضل و اولی قال الله تعالی فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی
علیکم یعنی عوض کنید بر وی مانند آنچه او ظلم کرده است بر شما این امر برای اباحت است قال الله تعالی وان
عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین واصبر
وما صبرک الا بالله یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده است و اگر صبر کنید پس صبر بهتر است
برای صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق و مددگاری و سبحانه قال الله تعالی وجزاء سیئة
سیئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه لا یحب الظلمین ولمن انتصر بعد
ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل انما السبیل علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی
الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب الیم ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور
یعنی جزای بدی بدیست که مثل آن بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و ببخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکه حقتعالی
ظالمان را دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومی خود پس نیست بر وی هیچ مواخذه در دنیا و آخرت بر کسیکه
ظلم کند بر مردم و فساد کند در زمین ناحق آنها را عذاب الیم باشد و هر که صبر کند و ببخشد مظلمه خود بدرستیکه بهترین چیزهاست رسول فرمود
المستبان ما قالا فعلی البادی منهما ما لم یعتد المظلوم رواه احمد ومسلم وابوداود والترمذی عن ابی هریرة یعنی دو
کس که باهم بدگوئی کنند گناه هر دو بدگوئی بر کسی است که اول گفت تا که ثانی زیاده نکند از آنچه اول گفته است فرمود آنحضرت
المستبان شیطانان یتهاتران ویتکاذبان رواه احمد والبخاری فی الادب بسند صحیح عن عیاض بن حمار یعنی دو کس که باهم بدگوئی
میکنند هر دو شیطانند باهم کلام باطل میگویند و باهم دروغگوئی میکنند ولا تستوی الحسنة ولا السیئة ادفع بالتی
هی احسن فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه ولی حمیم وما یلقها الا الذین
صبروا وما یلقها الا ذو حظ عظیم واما ینزغنک من الشیطن نزغ فاستعذ

بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ یعنی نیکی وبدی یکسان نیست پس هرکه نیکی تواند کرد بدی چرا اختیار کند پدیرا
بنیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن زین عمل بدی او برطرف شود اگر بیجت ... کسی که با تو
دشمنی دارد دوست یکرنگ قریب خواهد شد و اخلاق نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر
کسیکه نزد خدا نصیبه کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد از ین عمل پس پناه جو از خدا بدرستیکه
خدا سمیع و علیم ست ترا پناه دهد مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلامند که مرا دروغگو میگویند و خیانت میکنند و
نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا از آنها آنحضرت فرمود که خیانت تکذیب
و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر عقاب تو از عقاب آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر
عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب تو از گناه شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو
عوض گرفته خواهد شد آنمرد گریستن و بآواز ناله کردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ
الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ
اَتَيْنَا بِهَا وَكَفٰى بِنَا حٰسِبِيْنَ یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل روز قیامت پس ظلم کرده
خواهد شد هیچکس چیزی و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل خواهیم آورد و بس ایم حساب کننده آنمرد گفت یا رسول الله
بهتر چیزی نمی یابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عایشه رض
شعر بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی اَحْسِنْ اِلٰى مَنْ اَسَاءَ بُلْ در حسن خلق و نرمی مذمت تکبر
حق تعالی در حق رسول کریم فرموده وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيْمٍ بدرستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرمود فَبِمَا رَحْمَةٍ
مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيْظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ
عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خدا که بر تست نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم
شدی و اگر میبودی بدخلق سخت دل هر آئینه جدا میشدند از گرد تو پس ببخش تقصیرات شان را و دعای مغفرت کن برای
آنها اگر تقصیری کنند و در هر کار با آنها مشورت کن و حقتعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ
عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا یعنی بندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان
با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرموده هر که از رفق و نرمی
محروم شد از همه خیر محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسی است که اخلاق او نیک باشد رواه البخاری عن عبد الله بن عمر
و در صحیحین ست بهترین شما نیک خلق ترین شما است رسول فرموده اِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهٖ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ

[illegible] اتمم حسن الاخلاق رواه مالک فی الموطا و رواه [illegible]

[illegible] حسن اخلاق را و رسول فرمود صلعم من تواضع لله ر[illegible]

[illegible] در حدیث قدسی است الکبریاء ردائی والعظمة [illegible]

فمن [illegible] منهما قذفته فی النار رواه احمد و ابوداؤد و ابن ماجه عن ابی هریرة

وابن ماجه [illegible] الحاکم عن ابی هریرة الکبریاء ردائی فمن نازعنی فی ردائی قصمته

یعنی حق تعالی فرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی کند با من در چیزی ازین

هر دو بیندازم او را در دوزخ و بروایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را شعر داریم ترا از گنج مقصود نشان

گر ما نرسیدیم تو شاید برسی رزقنا الله سبحانه من الخصال ما یرضاه والحمد لله

تعالی اولا و آخرا والصلوة والسلام والبرکة علی رسوله وآله وصحبه

ومتبع سنته بعونه تعالی

الحمد لله که بتاریخ چهارم ماه شهر ذی الحجه نسخه حقیقة الاسلام جامع حقوق عباد و پروردگار با نام تصنیف سلالة العلماء

زبدة الفقهاء مفسر کلام الله حضرت قاضی ثناء الله پانی پتی قدس سره

در دار السلطنت لاهور باهتمام و حسن سعی

کارپردازان مطبع احمدیه

انطباع پوشید

S. Dewan Mohamed Khan Sahib

Kha[illegible] کتبه سید احمد امن آبادی